

41 هزار رزمنده باتجربه حزب الله آماده مقابله با طرح سعودی-اسرائیلی



آل سعود و رژیم اسرائیل، تقسیم کاری کرده‌اند؛ ریاض، مأمور قرار دادن حزب الله در لیست گروه‌های تروریستی شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان ملل است و مأموریت تل آویو هم تمرکز روی توانمندی‌های حزب الله و تهدیدات آن برای سرزمین‌های اشغالی است.

به گزارش آرآن نیوز: امین حطیبت تحلیلگر مسائل راهبردی منطقه در مقاله‌ای در روزنامه الثورة سوریه نوشت: رژیم صهیونیستی بلافاصله بعد از شکست در لبنان در سال 2000 به دنبال واکنشی برای جبران خسارت‌های خود بود. از همین رو مهم‌ترین کنفرانس برنامه‌ریزی‌های استراتژیک اسرائیل یعنی کنفرانس هرتسلیا سعی کرد راهکاری برای واکنش به این موضوع ایجاد کند.

تل آویو بعد از این تاریخ مجموعه‌ای از اقدامات تجاوزطلبانه بر ضد منطقه به راه انداخت تا اینکه جنگ سال 2006 بر ضد لبنان انجام شد، جنگی که اسرائیل و تمامی حامیان پروژه صهیونیستی آمریکایی، آن را مقدمه‌ای برای ایجاد خاورمیانه آمریکایی می‌دانستند که مقاومت یا تفکر در مورد آن جایگاهی در آن نداشته باشد، اما نیروهای مقاومت با قهرمانی‌های خود رویا پردازی‌های متجاوزان را از بین برده و از این تجاوز پیروز خارج شدند. آنها به این ترتیب مبنای دردناک بازدارندگی عملیاتی در برابر اسرائیل را رقم زدند.

از پیامدهای پیروزی سال 2006 این بود که عوامل پروژه استعماری و اشغالگری به سمت رویکردهای قدرت نرم گرایش پیدا کردند. این موضوع در مفاهیم استراتژیک ائتلاف ناتو در سال 2010 مطرح شد، اولین و خطرناک‌ترین نتایج این استراتژی آتشی بود که غربی‌ها آن را بهار عربی نامیدند، این اتفاق در واقع بهار صهیونیستی آمریکایی بود که آمریکا و اسرائیل از طریق آن به دنبال براندازی محور مقاومت بود و این اقدام را از قلعه مرکزی آن در سوریه آغاز کرد، اما با وجود پیگیری برنامه‌ها و مرور استراتژی‌های مختلف از سوی متجاوزان برای حذف محور مقاومت، سوریه همراه با عناصر این محور و اخیراً روسیه موفق شدند عرصه‌ای جدید را در منطقه بنیان‌گذاری کرده که مبتنی بر سه شاخص اساسی است: اول این که متجاوزان قادر به تحقق اهداف خود نبوده و سوریه به صورت هویت متحد خود باقی مانده است. نکته دوم این که محور مقاومت در وزن استراتژیک و نظامی خود بسیار بزرگ‌تر از پنج سال پیش قرار دارد. نکته سوم اینکه زمان به نفع محور مقاومت در جریان است و چیزی که متجاوزان امروز می‌توانند در سوریه به دست آورند، بسیار بیشتر از آن چیزی است که فردا برای آنها باقی خواهد ماند.

نتایج جنگ بر ضد سوریه و محور مقاومت ناامیدی و سرخوردگی شدیدی برای متجاوزان و اجراکنندگان این طرح، رهبران، متحدان و وابستگان آنها داشته است. در این شرایط تمامی طرف‌ها بهتر است دیدگاه‌های متناسب با موقعیت و جایگاه خود را تعیین کنند، چرا که رفتار آنها میزان خسارت‌های آنها را تعیین می‌کند.

45 تن مهمات و مواد منفجره‌ای که به دست 41 هزار مبارز باتجربه حزب الله نرسید

در نتیجه گروه متجاوز به سوریه دچار تشتت مواضع شده و واگرایی به وجهه غالب آن تبدیل شده است، به این ترتیب می‌توان دو گروه اساسی در این رویکرد ایجاد کرد: اول گروه واقع‌گرایان و دوم گروهی که واقعیت‌ها را نادیده می‌گیرند. اسرائیل و عربستان سعودی و به صورت مخفیانه آمریکا در این گروه قرار دارند. آمریکایی‌ها البته این‌گونه رفتار می‌کنند که گویا جزو بخش اول هستند و در مسیر راه حل سیاسی قرار دارند.

عربستان شکست خود در سوریه را نشانه‌ای از تراکم شکست‌های خود در تمامی منطقه می‌داند و معتقد است این شکست فضای حیاتی استراتژی این کشور را از بین برده و موقعیت آن در تسلط بر تصمیم‌سازی‌های جهان عرب و اسلام را دچار تزلزل خواهد کرد. اسرائیلی‌ها نیز شکست در سوریه را نشانه‌ای از حذف رویای استراتژیک خود می‌دانند که دست کم در طول 15 سال گذشته از سال 2000 تاکنون برای آن تلاش کرده‌اند. رویایی که شامل از بین بردن حزب الله و برچیدن محور مقاومت وابسته به آن است.

این شکست هم‌زمان با تقویت توانمندی‌های نظامی حزب الله در ابعاد و عناوین مختلف دنبال شده است، تا جایی که این حزب موفق شده معادله بازدارندگی استراتژیک در برابر اسرائیل محقق کرده و این رژیم را نسبت به ورود به جنگ بر ضد حزب الله به صورت انفرادی ناتوان می‌کند.

تل آویو معتقد است در صورت بروز جنگ نمی‌تواند پیروزی در آن را تضمین کرده و واکنش‌های حزب الله در جبهه داخلی اسرائیل را مهار کند. تلخی اوضاع کنونی در مورد عربستان و اسرائیل هنگامی بیشتر می‌شود که برخی راهکارها برای حل بحران سوریه در جزئیات متعدد خود مطرح می‌شود. راه حل سیاسی به این معناست که برگه‌های برنده طرف‌های پیروز این معادله تقویت شده و شکست بازنده‌ها نیز تا حدی تلطیف می‌شود.

45 تن مهمات و مواد منفجره‌ای که به دست 41 هزار مبارز باتجربه حزب الله نرسید

این روش باعث شده طرف‌هایی که بیشترین خسارت را از روند تحولات کنونی دریافت می‌کنند، به دنبال بازگشت به عرصه میدانی با روش‌های جدید بر آیند تا شاید بتوانند میز گفت‌وگوها را به هم بزنند و فرصت جبران خسارت‌های کنونی و ترسیم

روند جدید در مسیر تحقق اهداف خود را به دست آورند.

ائتلاف بین عربستان و رژیم صهیونیستی در این راستا انجام شده است، به این ترتیب مناسبات اسرائیل با عربستان از مرحله مخفی کاری به شکل شرم‌آوری به رویکرد علنی تغییر پیدا کرده و هیچ کس در این راستا احساسات فلسطینی‌ها و عرب‌ها و مسلمانان را در نظر نمی‌گیرد. خطرناک‌تر این که به نظر می‌رسد پروژه‌ای صهیونیستی سعودی بر ضد محور مقاومت به راه افتاده که به صورت خاص اقدامات خود را بر ضد حزب‌الله آغاز کرده است.

براساس اخباری که از این پروژه منتشر می‌شود، به نظر می‌رسد پروژه مذکور شامل چهار محور است:

اول: شیطنت بر ضد حزب‌الله و محور مقاومت و افزایش فشارهای همه‌جانبه بر ضد آنها و نشان دادن آن به عنوان خطری برای تمام دنیا. به این ترتیب قرار است محیطی ایجاد شود تا ائتلافی بین‌المللی بر ضد حزب‌الله شکل گیرد، درست شبیه ائتلافی که بر ضد داعش به وجود آمده است. در این شرایط اسرائیل نیز بخشی از این ائتلاف خواهد بود و دیگر نیاز نیست به تنهایی بار سنگین واکنش‌های حزب‌الله را در جنگ‌های آینده تحمل کند. در این شرایط تل‌آویو از معادله بازدارنده استراتژیک که اخیراً تشکیل شده، فرار خواهد کرد.

در مورد اجرای این طرح، عربستان و اسرائیل مأموریت‌ها را بین خود تقسیم کردند، عربستان مأموریت قرار دادن حزب‌الله در لیست گروه‌های تروریستی را برعهده دارد و این موضوع را در ابعاد داخلی و سپس در شورای همکاری خلیج فارس و پس از آن در نشست وزرای کشورهای عربی مطرح کرده است. ریاض تمام تلاش خود را خواهد داشت تا این موضوع را در نشست سران عرب که آوریل آینده برگزار می‌شود و همچنین در نشست سازمان ملل متحد مطرح کند. مأموریت اسرائیل برای اجرای این طرح تمرکز بر روی توانمندی‌های حزب‌الله و خطرات و تهدیدات آن برای خود و منطقه است.

45 تن مهمات و مواد منفجره‌ای که به دست 41 هزار مبارز باتجربه حزب‌الله نرسید

اظهارات و موضع‌گیری‌های مقامات رژیم صهیونیستی در مورد توانمندی‌های حزب‌الله و ارائه آماری از قدرت هجومی این حزب بخشی از رویکرد مذکور است. صهیونیست‌ها در این رابطه اعلام کردند که حزب‌الله 41 هزار مبارز آموزش دیده و با تجربه دارد و ناوگان موشکی آن بالغ بر 100 هزار موشک است که برد آن‌ها از 10 تا 350 کیلومتر متغیر است.

دوم: انفجار اوضاع امنیتی در داخل لبنان و گشودن جبهه‌های متعدد به سوی این حزب همراه با قطع مسیرهای تحرکات و امداد رسانی و پشتیبانی متقابل با آنها. تنش‌آفرینی در مواضع و گفتمان سیاسی بر ضد حزب‌الله لبنان در این مسیر صورت می‌گیرد، در همین راستا تسلیحاتی به لبنان وارد می‌شود. کشتی مصادره شده در یونان بخشی از عملیات واردات سلاح این کشور است که از طریق ترکیه به طرابلس فرستاده شده و در آن حدود 6 هزار سلاح وجود دارد که تعدادی از آنها تک تیراندازهای بسیار پیشرفته هستند. همچنین 45 تن مهمات و مواد منفجره نیز در این کشتی وجود داشته است. روند لغو کمک تسلیحاتی ارتش لبنان از سوی عربستان سعودی را نیز می‌توان تا حدی در این راستا ارزیابی کرد، چرا که به این ترتیب توان نظامی نیروهای امنیتی برای کنترل امنیت در صورت بروز اختلاف در کشور کاهش پیدا می‌کند.

سوم: ورود به جنگ بر ضد حزب‌الله لبنان بعد از ایجاد ائتلافی گسترده و بین‌المللی شبیه به ائتلاف‌هایی که در سه دهه گذشته صورت گرفته است، نظیر ائتلاف برای آزادسازی کویت از دست صدام و ائتلاف مورد ادعای آمریکا بر ضد داعش. عوامل پروژه صهیونیستی سعودی معتقدند که چنین ائتلافی می‌تواند حزب‌الله لبنان را در جنگ فرسایشی طولانی‌مدتی وارد کند، به گونه‌ای که نیروهای متحد این حزب قادر به نجات آن نخواهند بود.

چهارم: از بین بردن هر نوع راهکار سیاسی در سوریه از طریق سستی، امروز و فردا کردن و قرار دادن شرط‌های ناممکن. این روند تا زمان پایان دوره ریاست جمهوری باراک اوباما در آمریکا ادامه پیدا خواهد کرد، البته هیچ تضمینی برای موفقیت جمهوری‌خواهان در ریاست جمهوری آمریکا وجود ندارد، اما آنها معتقدند در آن زمان اقدام در مسیر پرونده سوریه یعنی مقاومت و حزب‌الله لبنان با سهولت بیشتری صورت خواهد گرفت. اظهارات دائمی وزیر خارجه عربستان در رد روند سیاسی در سوریه و مانع‌تراشی در این مسیر ضمن تأکید بر مطالبه از سوی عربستان در موضوع ریاست جمهوری سوریه در این راستا است. طرح صهیونیستی سعودی بر ضد حزب‌الله لبنان که اسرائیل آن را آماده کرده و عربستان با تمامی پتانسیل‌های مالی و سیاسی و تبلیغاتی خود، آن را به اجرا گذاشته است، به نظر می‌رسد مراحل اولیه خود را سپری می‌کند. عوامل این طرح به ویژه سعودی‌ها آن را راه برون رفت از شکست استراتژیک کنونی می‌دانند، اما این طرح نیز نمی‌تواند طناب نجاتی برای صاحبان آن باشد، چرا که احتمالاً از اجرای مرحله اولیه خود فراتر نخواهد رفت.

45 تن مهمات و مواد منفجره‌ای که به دست 41 هزار مبارز باتجربه حزب‌الله نرسید

ما موفقیت و پیروزی این طرح را بعید می‌دانیم، چرا که عرصه سوریه و اوضاع منطقه و نقش و مناسبات و متغیرات بین‌المللی نشان می‌دهد که این طرح جنون‌آمیز هیچ شانس برای موفقیت ندارد. برای این موضوع شاید کافی باشد به شکست‌های متعدد طرح‌های عربستان از عراق گرفته تا سوریه و یمن و لبنان اشاره کنیم.

همچنین می‌توان به شکست ائتلاف عربی و پس از آن ائتلاف اسلامی اشاره کنیم و بگوییم که اقدامات دیوانه‌وار عربستان سعودی نمی‌تواند موفقیتی به دست آورد. در این میان تنها اسرائیل است که خود را برنده می‌داند، چرا که کسب دستاوردهایی از قبیل عادی سازی روابط با عرب‌ها و حضور در کنار آنها در اردوگاه واحد بر ضد حزب‌الله لبنان دستاورد بزرگی است که بیشتر این رژیم 80 درصد از تولید ناخالص ملی خود را برای مقابله با این حزب در امور دفاعی و امنیتی هزینه کرده است.

خطرناک‌ترین حضور در این طرح بروز پدیده ائتلاف عربی اسرائیلی است که می‌تواند موضوع فلسطین و تلاش برای آزادسازی

آن را به پایان ببرد. به این ترتیب طرح سعودی صهیونیستی، طرحی برای رها کردن فلسطین در ابعاد عربی است، اما به اعتقاد من حزب الله لبنان همواره می‌تواند واکنش مناسبی اتخاذ کند تا پیروزی که لایق هواداران آن است را به آن‌ها بدهد.